

کاربرد آمایش در تحلیل محیط امنیتی

کا. فتح محمدی^۱

□ **چکیده:** برنامه آمایش چارچوبی است برای برقراری تعامل سازنده بین سیاست گذاران، تصمیم گیران، برنامه ریزان، پژوهش گران و دست اندر کاران توسعه با یکدیگر به نحوی که بتوان با سازوکار های مناسب و هماهنگ به دیدگاه های مشترک دست یافت، چرا که توسعه با نگاه آمایش مخصوص ایجاد بستر امنیتی دربرگیرنده بخش های مختلف و نیز سطوح متفاوت ملی، منطقه ای و محلی است. با این دیدگاه که توسعه در سطوح مختلف نیازمند بستری امن و فضای قابل دفاع و فعالیت همراه با احساس امنیت است تا برنامه های توسعه دنبال شود، در این رابطه ابتدا تعاریف امنیت، امنیت ملی، محیط، محیط امنیتی، شناخت محیط امنیتی، تهدیدات، دفاع و خطر، ژئومورفولوژی (شکل شناسی جغرافیایی)^۲ تبیین می شود و سپس چگونگی تحلیل قابلیت ها و عوامل تعیین کننده، بی ثباتی محیط و راه های مقابله با آن و همچنین ضرورت مطالعه آینده و برنامه ریزی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

□ **واژه های کلیدی:** محیط امنیتی^۳، تهدیدات^۴، آمایش سرزمین^۵، ژئومورفولوژی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

۲. Geo Morphology

۳. environment security

۴. threat

۵. landscape efficiency

□ مقدمه

امروزه در سطوح مختلف برنامه ریزی اعم از ملی، منطقه ای و محلی که به منظور توسعه صورت می گیرد. موانع توسعه را نیز با دقت و توجه بیشتری مورد بررسی قرار می دهند. از جمله این موانع که در برنامه ریزی فضایی و آمایش سرزمینی در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و محلی در کشور های مختلف جهان مورد توجه قرار گرفته است، مسائل و ملاحظات مربوط به تامین دفاع و امنیت به منظور فراهم کردن بستر امن برای توسعه است. شرح خدمات برنامه آمایش چار چوبی است برای برقراری تعامل سازنده بین سیاست گذاران، تصمیم گیران، برنامه ریزان، صاحب نظران، پژوهشگران و کلیه دست اندر کاران توسعه با یکدیگر به نحوی که بتوان با سازوکارهای مناسب و هماهنگ به دیدگاه های مشترک دست یافت، بدون آن که خلاقیت و نوآوری دستخوش رکود و نقصان شود، انجام این مهم بدون راهنما و دستوالعمل کلی امکان پذیر نیست. چرا که با نگاه آمایش مخصوصاً ایجاد بستر امنیتی دربرگیرنده بخش های مختلف و نیز سطوح متفاوت ملی، منطقه ای و محلی است. با این دیدگاه، در برنامه آمایش سرزمینی در ایران جای ملاحظات دفاعی - امنیتی بسیار خالی بوده است، در حالی که در کشور های مختلف جهان از سال های پیش مورد توجه قرار داشته است، تا این که برنامه آمایش سرزمینی که در سال ۱۳۸۳ توسط هیأت دولت مصوب شد. از هشت ضابطه ای که برای تدوین برنامه های آمایش سرزمینی در سطوح ملی و استانی در نظر گرفته شده است، ملاحظات دفاعی - امنیتی در صدر این ضوابط قرار دارد و به عنوان تکلیفی است تا در تمام برنامه های آمایشی در سطوح ملی و استانی مورد توجه قرار گیرد.

بر همین اساس و با این دیدگاه، توسعه در سطوح مختلف نیازمند بستری امن و فضایی قابل دفاع است تا سکونت و فعالیت در فضا های زیست و فعالیت با احساس امنیت همراه بوده و ساکنین بتوانند برنامه های توسعه را دنبال کنند. اگرچه ملاحظات دفاعی - امنیتی در برنامه آمایش استان های کشور گنجانده شده است ولی بنا به دلایلی از جمله تازگی این بحث در برنامه ریزی کشور، جو سنتی مبتنی بر گریز برنامه ریزان توسعه از پرداختن به مسائل دفاعی - امنیتی و یا هر دلیل دیگری کار در این فصل مشکل به نظر می رسد. به همین دلیل سعی شده است با

تبیین مفاهیم کلی به کار رفته در این مباحث و نیز پرداختن به شیوه های انجام کار و احیاناً ذکر تجربه هایی که در این رابطه وجود دارد، انجام کار در این بخش ساده تر گردد. در این رابطه، ابتدا تعاریف و مفاهیم لازم تبیین می شود، سپس چگونگی تفصیل اطلاعات مورد بحث قرار می گیرد و پس از آن چگونگی انجام تحلیل اطلاعات و احیاناً استفاده از روش ها، تحلیل قابلیت ها، الگوها و مدل های مناسب به صورت توصیه های اولیه ارائه خواهد شد.

□ بیان مسأله

برای دستیابی به توسعه همه جانبه نیاز به برنامه ریزی اعم از ملی، منطقه ای و محلی و تدوین استراتژی و شناسایی موانع توسعه است. در رویکرد استراتژیک لازم است چشم انداز آبی و مفهوم مشخصی از آینده ارائه داده شود و با پاسخ به پرسش هایی مثل کجا هستیم، دوست داریم کجا باشیم و چگونه می توانیم به آنجا برسیم باید اهداف و راه دست یابی به آنها روشن شود. این اساس مستلزم ارزیابی درونی و بیرونی، توانمندی ها و قابلیت ها، وضعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک فعال و شناخت تهدیدات داخلی و خارجی تأثیر گذار است.

□ اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

هنگام تدوین برنامه آمایش باید تدابیری اندیشیده شود تا هرگونه تهدید و آسیب و یا شرایطی که متوجه توسعه همه جانبه می شود، مورد شناسایی و مطالعه قرار گیرند. از طرفی طرح های آمایش مبتنی بر شرایط امنیتی می بایست احساس امنیت را در برابر انواع خطراتی که متوجه انسان و یا ملک وی در فضاهای سکونت و محل فعالیت او می شود و در برابر خطرات و تهدیدات و مخاطرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی که به وجود می آید، فراهم آورد و همچنین اهداف و قابلیت ها با شفافیت در آنها مشخص شود، امکان شکست کاهش یابد و ضریب موفقیت افزایش یابد، به طوری که منافع امنیت ملی را از گزند تهدید مصون و امکان بسط و تقویت آن را فراهم نماید.

□ اهداف تحقیق

نظر به این که توسعه در سطوح مختلف نیازمند بستری امن و فضای قابل فعالیت همراه با احساس امنیت است و از طرفی با توجه به لزوم ایجاد تعامل سازنده بین

سیاستگذاران، تصمیم گیران، برنامه ریزان و پژوهشگران و دست اندرکاران توسعه، هدف نهایی از این پژوهش فراهم آوردن زمینه های لازم برای بهره برداری از کلیه امکانات در جهت بهبود وضعیت مالی و معنوی اجتماعی بر اساس ارزش های اعتقادی و توجه به سوابق فرهنگی با استفاده از ابزار علم و تجربه در طول زمان است

□ سؤالات تحقیق

سؤال اصلی این است که تدوین استراتژی دفاعی و امنیتی چه تأثیری بر توسعه آمایش سرزمین دارد؟ و چگونه می توان تهدیدات و آسیب ها و خطرات امنیتی و طبیعی را کاهش داد؟

□ فرضیه تحقیق

فرایند توسعه کشور در سطوح مختلف نیازمند بستری امن و فضایی قابل دفاع و فعالیت با احساس امنیت است و رابطه متقابل دارند.

□ پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی های به عمل آمده از مراکز علمی و اجرایی در این خصوص موارد قابل استفاده و بهره برداری مفید به دست نیامد، اما صرفاً یک دستورالعمل دفاعی، امنیتی در آمایش توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به استانها ابلاغ گردیده است. لازم به یاد آوری است که مصوبه آمایش سرزمین نیز در سال ۱۳۸۳ توسط هیأت دولت به تصویب رسیده است.

□ روش جمع آوری اطلاعات

در جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شده است و همچنین روش تجزیه و تحلیل کیفی است که توسط کارشناسان و صاحب نظران خبره صورت می گیرد. بدیهی است که برخی داده ها و اطلاعات کمی نیز جمع آوری شده است.

گفتار اول: ملاحظات، تعاریف و مفاهیم دفاعی - امنیتی و اکولوژیک در آمایش

ملاحظات: منظور از ملاحظات، تدابیری است که در هنگام تدوین برنامه آمایش باید اندیشیده شوند تا هر گونه تهدید و یا شرایطی که متوجه توسعه است، مورد مطالعه و شناسایی قرار گیرند. بدیهی است این ملاحظات باید به صورت مشترک و با تفاهم فیما بین مسئولین و متخصصین در بخش های توسعه از یک سو و مسئولین و متخصصین امور دفاعی امنیتی از سوی دیگر، تدوین شوند. هدف از تدوین این

ملاحظات نزدیک کردن نقطه نظرات این دو گروه است تا راه کار هایی را بیان‌دیشند برای تحقق توسعه در استان ها که در سایه ای از امنیت و شرایطی قابل دفاع باشد.

دفاع: هر گونه اقدامی است که فضای توسعه کشور را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، حفظ کند. گرچه این معنی و مفهوم منحصر به دفاع نظامی نیست، اما دفاع نظامی عمده ترین انواع دفاع در برابر خطرات و تهدیدات. متوجه توسعه به حساب می آید. دفاع بر دو نوع است، یا عامل که توسط نیرو های نظامی صورت می گیرد و یا غیر عامل که با تدابیری مانند پدافند غیر عامل و دفاع مدنی، به منظور مقابله با تهدیدات احتمالی و کاهش خطرات بالقوه صورت می گیرد. پدافند غیر عامل ممکن است به صورت طراحی فضا های قابل دفاع و با در نظر گرفتن تدابیری که آسیب پذیری فضا های توسعه کشور را در برابر تهدیدات کاهش یابد صورت پذیرد.

امنیت: منظور از امنیت در این بحث یک مفهوم عمومی و کلی است. این مفهوم شامل احساس امنیت در برابر انواع خطرانی است که متوجه انسان و مایملک وی در فضا های سکونت و فعالیت او می شود. احساس امنیت در برابر خطرات طبیعی مانند آسیب هایی که از سیل و زلزله ممکن است متوجه حیات انسان و یا فضا های فعالیت وی میشود و خطرات ناشی از تهدیدات و مخاطرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و امنیتی می گردد.

امنیت و احساس امنیت: پدیده ای است که در مخاطب خود احساس آرامش و نفی از هراس و تهدید را ایجاد می کند. پدیده ای است که یک پدید آورنده دارد، مرجع دارد که هم هویت امنیت از مرجع بر می خیزد و هم اندازه و سطح مخاطب را تعیین می کند. امنیت یک واقعیت است که باید تجلی پیدا کند و احساس شود. باید فضا و محیط امنیتی وجود داشته باشد تا بتوان موضوع امنیت را مشخص کرد. این فضا دارای هنجار های ملی و اجتماعی و همچنین اصالت پذیری هویت جمعی و الگوی حاکمیت و جامعه پذیری است. هدف از پدیده شدن امنیت، استراتژی است یعنی باید استراتژی واقع بینانه ترسیم و تنظیم شود. اهداف و قابلیت هایی به شفافیت در آن مشخص شده باشند و امکان کاهش سطح شکست و افزایش ضریب موفقیت را فراهم آورد. در نتیجه تعریف امنیت عبارت است از فضا و شرایطی باز

دارنده و مقوم که می تواند منافع امنیت جو را از گزند تهدید مصون و امکان بسط و تقویت آن را فراهم نماید، به گونه ای که امکان نیل به اهداف شفاف و قابل تحقق گردد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۵)

امنیت ملی : عبارت است از شرایط و فضای ناشی از اقدامات حفاظتی که مانع از اعمال نفوذ دشمن یا رقیب بر منافع و اهداف شده و امکان بروز توانایی ها و قابلیت ها را به وجود می آورد.

تهدیدات: شرایطی است که اگر واقع شود، انسان و فضاهای زیست و فعالیت وی (از دیدگاه آمایش) در معرض مخاطراتی چون نابودی و یا برهم خوردن نظم سیستم استقرار و فعالیت مناسب قرار می گیرد. در این مفهوم هنگامی تهدیدات تبدیل به خطر می شوند که خسارت به انسان و فضا های زیست و فعالیت او وارد شود، و آن هنگامی است که تهدیدات متوجه نقاط آسیب پذیر می شوند.

خطر: خطر هنگامی تحقق می یابد که دایره تهدیدات بر دایره آسیب پذیری به صورت جزئی یا کلی منطبق شود. در این مفهوم و در برنامه ریزی آمایش کشور، اگر به تهدیدات توجه نشود و یا آسیب پذیری های توسعه فضای کشور مورد مطالعه و شناسایی قرار نگیرند، ممکن است تهدیدات متوجه نقاط آسیب پذیر فضا های توسعه بشود و روند توسعه آن را با خطر و خسارات مواجه سازد. این خطر ممکن است ایجاد نا امنی کرده و فرایند توسعه کشور را دچار اختلال سازد.

محیط: مکانی جغرافیا محور است که قابلیت رفع نیاز های انسان و اجتماعی شدن او را در قالب اهدافی مشخص و سیستمی تعریف شده فراهم می آورد تا امکان هویت جمعی او را تحقق بخشد. یک محیط دارای ظرفیت هایی است که در شناخت آن موثر است، یعنی باید: نهاد گرا باشد، منفعت مدار باشد، محیط باید در ذات خود تحرک آفرینی و ارتقاء توانایی را داشته باشد. یعنی امکان بهره برداری از منابع، امکان دوام و توسعه منابع و امکان تسلط بر به کارگیری منابع را فراهم نماید. محیط باید قابل مدیریت باشد، کنترل مدار باشد. محیط چند بعدی است، احساس تعلق بودن، احساس برتری، احساس مالکیت و احساس همیاری و معاضدت و احساس جمعی و اجتماعی شدن. مکانیزم های کنترل تغییر پیدا می کند، پس برای شناخت ماهیت محیط و وابستگی های آن برای استراتژی امنیت ملی، باید محیط از منظر

دفاعی و اقتصادی اعم از داخلی و خارجی بررسی و مشخص شود. (عصاریان نژاد- ۱۳۸۵)

□ ادبیات تحقیق

« آمایش سرزمین یعنی آمایش جامعه » آمایش سرزمین گرچه مقوله ای مستقل نیست اما دارای این ویژگی است که علمی دراز مدت را می طلبد که نتایج آن مرئی، پایدار، حک شده در سرزمین و تعهد آور برای آیندگان است. برای تصمیم گیری در تغییر تعادل یک سرزمین، ده ها سال وقت لازم است. پس سیاست منطقه ای باید در چشم اندازی کلی و مجموعه نگر گنجانده شود و از این لحاظ آمایش سرزمین بر برنامه ریزی دراز مدت منطبق می گردد. امروزه در مورد ضرورت سیاست آمایش، اتفاق نظر وجود دارد، اما این سیاست با دشواری های نظری و عملی روبرو است.

در آمایش سرزمینی علاوه بر طرح ذهنی (بینش) طرح عملی هم لازم است که باید در خدمت طرح ذهنی باشد زیرا هر برنامه باید غایت داشته باشد؛ یعنی علاوه بر منطق ریاضی (طرح عملی) لازم است دارای بینشی سیاسی امنیتی و اقتصادی (طرح ذهنی) هم باشد که حاکم بر منطق ریاضی برنامه است و بدان شکل می بخشد. رسالت بزرگ آمایش سرزمینی، آشتی دادن دو بال عروج انسان، یعنی تمدن و فرهنگ است که یکی ریشه در « شهر و روستا » دارد که بعد داخلی است و دیگری بعد خارجی است. پس فقط توسعه فضایی یکپارچه می تواند تمدنی درخشان همراه با فرهنگی شکوفا و امنیتی به ارمغان بیاورد. این همه خود در گرو تغییری بنیادین در بینش است. تعاریف متعددی از آمایش سرزمینی وجود دارد، برای مثال آمایش سرزمینی « طراحی و ساختار یابی سرزمینی هر کشور است. چنانچه باید و همان طور که بنابر استعداد های خاک، جمعیت و فعالیت های بنیادی می تواند باشد. در تعریفی دیگر، آمایش سرزمینی عبارت است از: نوعی برنامه ریزی بلند مدت توزیع بهتر جمعیت و فعالیت های اقتصادی در زمینه منابع طبیعی به منظور افزایش رفاه و توسعه جامعه « در واقع آمایش سرزمینی برای تنظیم رابطه انسان، فضا و فعالیت های انسان در فضا انجام می شود.»

هدف اساسی از برنامه ریزی آمایش سرزمینی، برنامه ریزی منطقه ای و پیوند دادن آن با برنامه ملی است. بنا براین با توجه به ابعاد آن، ضرورت های سرزمین را می توان به صورت زیر بیان کرد:

- ۱- شناخت سرزمین و استفاده از منابع آن
 - ۲- توزیع بهتر جمعیت بر اساس پتانسیل های موجود در مناطق
 - ۳- تقسیم وظایف تخصصی در پهنه سرزمین و مختص کردن مناطق به بعضی فعالیتها و صنایع
 - ۴- تنظیم استراتژی دراز مدت توسعه ملی از ابعاد مختلف
 - ۵- برقراری هماهنگی در برنامه ریزی های توسعه منطقه ای
 - ۶- برقراری هماهنگی بلند مدت در برنامه های میان مدت بخشی
 - ۷- ایجاد امکان برای تنظیم برنامه های بخشی - منطقه ای و ایجاد پیوستگی و ارتباط منطقی بین طرح های عمرانی
 - ۸- لزوم توجه به محیط زیست و ضرورت بهره برداری بهینه از منابع طبیعی و ایجاد بستر امنیتی مناسب جهت توسعه همه جانبه.
- با این که انجام آمایش سرزمینی با توجه به نقش تکمیل کننده در زنجیره فعالیت های برنامه ریزی در سطح کلان و منطقه ای ضروری است، اما تنگناهایی در این راه وجود دارد: تلفیق ضعف آمایش سرزمین یا دیگر برنامه ریزی ها، محدود بودن مشارکت مردم در تنظیم سیاست ها، آمایش مردم در تنظیم سیاست ها و آمایش سرزمین، انعطاف پذیری محدود، ناهماهنگی نظام آماری و اطلاعاتی با نیازهای اطلاعاتی، مشکل تعیین منطقه و...

برای انجام این نوع برنامه ریزی و مشکلاتی که به خاطر اهمیت بلند مدت برنامه آمایش سرزمین بروز می کند، طبق تعریف سازمان مدیریت و برنامه ریزی ایران، آمایش سرزمین برای تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت های انسان در فضا انجام می شود، هدف از تنظیم این رابطه بهره برداری از امکانات برای بهبود وضعیت مالی و معنوی جامعه براساس ارزش های اعتقادی و توجه به سوابق فرهنگی با استفاده از ابزار علم و تجربه در طول زمان است. آمایش سرزمین تاکید خاصی بر دیدگاه فضایی (مکانی - جغرافیایی) و برنامه ریزی توسعه و تکامل ملی دارد.

آرمان چنین دیدگاهی توزیع و تقسیم جمعیت و فعالیت های عمرانی در پهنه سرزمین و پیاده سازی شرایط زیست بهتر برای فرد و جامعه و استفاده مطلوب از منابع طبیعی و نیروی انسانی در جهت کفایت اقتصادی - اجتماعی است. برنامه ریزی آمایش سرزمین، برنامه ریزی و سامان دادن نحوه اشغال فضا و تعیین محل سکناى انسان ها و محل فعالیت ها و تجهیزات و همچنین کنش های بین عوامل گوناگون نظام اجتماعی سیاسی - اقتصادی است. (عصاریان نژاد-۱۳۸۵)

کاربرد مدل ها در آمایش سرزمین : در بحث آمایش، فضا یکی از مولفه های اصلی مطالعات و نهایتاً چیدمان منطقی انسان و فعالیت در فضا هدف نهایی آمایش است. بنا براین فضا و عناصر و اجزاء تشکیل دهنده آن در شکل مناسب و گویا می تواند دست اندکاران و تصمیم گیران در ابحت آمایش را کمک نموده و آنها را پشتیبانی نماید. با توجه به ماهیت تحلیل های فضایی مناسب استفاده از عواملی که در این تحلیل ها موثر هستند ضروری است (از قبیل : موقعیت طبیعی، کاربری اراضی، منابع آب، دسترسی به شبکه های زیر بنایی، مسائل زیست محیطی و ...) بررسی همه این عوامل به طور همزمان و تأثیری که هر کدام از عوامل بر روی سایر عوامل دارند و یا از آنها تأثیر می پذیرند بدون استفاده از مدل های مناسب امکان پذیر نمی باشد. GIS به عنوان اصلی ترین ابزار تحلیل داده های مکانی می تواند کاربرد مدل های تحلیل فضایی را امکان پذیر نماید.

ابعاد تهدید

۱- **تهدیدات اقتصادی :** شامل تهدیداتی می شود که به هر نوعی به اقتصاد کشور آسیب می رسانند این تهدیدات ماهیت اقتصادی دارند مانند ضعف فناوری، ناتوانی رقابت در بازارهای داخلی و خارجی، خروج سرمایه و مانند آن.

۲- **تهدیدات اجتماعی :** شامل تهدیداتی می شود که بر روابط اجتماعی و همزیستی جمعی مردم کشور تأثیر می گذارند، مانند مسائل قومی، طایفه ای و یا مذهبی. تهدیدات اجتماعی ممکن است به صورت واگرایی اجتماعی میان اقوام مختلف ساکن در کشور یا اقوام ساکن یک استان نسبت به اقوام ساکن در استانهای دیگر بروز کند. همچنین ممکن است این تهدیدات به صورت نظام گسستگی و رواج

ناامنی های دیگر مانند قاچاق، بزهکاری و ناهنجاری دیگر معلول مشکلات اجتماعی، تظاهر کنند.

۳- **تهدیدات فرهنگی**: شامل تهدیداتی است که در تضاد با فرهنگ ملی و وحدت فرهنگی کشور عمل می کنند. ترویج تفکرات تروریستی، افکار واگرایانه و گرایش های ضد توسعه و مشارکت، تبعیض نسبت به قوم، مذهب یا زنان می تواند جزو این تهدیدات به حساب آید.

۴- **تهدیدات سیاسی**: شامل وجود گروه های سیاسی با تفکرات ضد ملی و یا ضد توسعه ای و یا تفرقه افکنانه در کشور می شود. وابستگی این گروه ها به قدرت ها، دولت ها و یا گروه های خارج از کشور به آن ابعاد خطرناک تر و گسترده تر می دهد. این تهدیدات به واگرایی ملی منجر شده و فرایند توسعه و برنامه آمایش کشور را دچار اختلال می سازند.

۵- **تهدیدات نظامی**: شامل تهدیداتی است که توسط دشمن خارجی یا داخلی، با استفاده از ابزار و آلات نظامی متوجه کشور می شود. تهدیدات نظامی تأثیرات عمیقی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم بر فرایند توسعه و برنامه آمایش سرزمینی می گذارد.

۶- **تهدیدات امنیتی**: شامل کلیه انواع تهدیداتی است که ایجاد احساس نا امنی در میان مردم و مسئولین کند. تهدیدات امنیتی ممکن است به صورت عینی و یا ذهنی تظاهر کند و تأثیرات مستقیمی بر روند توسعه و برنامه های توسعه پایدار و آمایش کشور بگذارد. بمب گذاری، پرتاب مواد منفجره و استفاده از هر نوع وسیله گرم و سرد، ترور آدم و گروگان گیری، ایجاد رعب و ترس جمعی، واداشتن مردم به ترک محل کار یا سکونت و یا تعطیل محل کار و مانند آن از مصادیق تهدیدات امنیتی به حساب می آیند. تهدیدات امنیتی ممکن است متوجه جان و یا مال افراد و یا برنامه های توسعه و زندگی عادی و فضای آرام زیست و فعالیت بشود. (عصاریان نژاد-۱۳۸۵)

شاخص های توسعه، امنیت و دفاع

توسعه اقتصادی متعارف، بر مبنای بخش ها و بدون مکان یابی فعالیت ها، خصلتی تجربیدی و گاه غیر واقعی دارد. برای این که برنامه توسعه، تصویری شدنی و

مرئی از آینده آرمانی جامعه باشد، باید عمیقاً در سرزمین ملی ریشه بگیرد. توسعه بدون مکان یابی فعالیت ها، بی ریشه و بسیار آسیب پذیر خواهد بود.

برای بررسی چگونگی تاثیر گذاری اقدامات توسعه ای بر ایجاد امنیت و دفاع یا بر عکس آن، یعنی تاثیر گذاری اقداماتی که در رابطه با ایجاد امنیت و دفاع لازم است، فراهم ساختن زمینه های مناسب برای تحقق توسعه در جوی امن لازم است، وابتدا می بایست شاخص های توسعه، شاخص های امنیت و شاخص های دفاعی را مورد مطالعه قرار دهیم و وضعیت آنها را تعیین کنیم.

۱- تشکیل شاخص های توسعه

معمولاً بیشتر سازمان های مدیریت و برنامه ریزی استان ها، با محاسبه و تشکیل جداول شاخص های توسعه در سطح استان و یا شهرستان ها آشنایی دارند. شاخص های توسعه سازمان ملل متحد که هزار چند گاهی محاسبه و منتشر می شود، می تواند راهنمای کار همکاران، باشد. شاخص های توسعه کشور می تواند به صورت های زیر باشد:

الف - توسعه اقتصادی: میانگین درآمد خانوار، میزان تکلف، میزان اشتغال، میزان بیکاری، میزان باسوادی، میزان تولید ناخالص استان و... که معمولاً در مباحث مربوط به توسعه اقتصادی مورد سنجش قرار می گیرند.

ب - توسعه اجتماعی و فرهنگی: میزان سواد، میزان دسترسی به رسانه های تصویری، شنیداری و خواندنی، میزان کتابخوانی، تعداد کتاب یا کتابخانه های عمومی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، میزان تحصیلات بر حسب جنس، میزان اشتغال زنان، میزان مرگ و میر کودکان و مادران و... که در مطالعات مربوط به توسعه انسانی سازمانهای تابع سازمان ملل متحد مورد استفاده قرار می گیرند.

ج) توسعه سیاسی: میزان شرکت در انتخابات مختلف، میزان مشارکت در احزاب و تشکیلات سیاسی، میزان مشارکت در امور اداری شهرها و روستاها، میزان روزنامه خوانی و به ویژه مطبوعات سیاسی و ...

۲- تشکیل شاخص های امنیتی دفاعی

شاخص های امنیتی و دفاعی، پس از انجام بررسی های اولیه و برگزاری جلسات شورای تأمین استان ها و همچنین با هماهنگی هایی میان معاونت های برنامه ریزی استان ها و مرکز ملی آمایش سرزمین، نهایی خواهند شد. اما در حال حاضر مهمترین شاخص های امنیتی و دفاعی که بر اساس اطلاعاتی که در کشور جمع آوری می شود می توان تعیین و محاسبه کرد و جداول آن راتشکیل داد عبارتند از :

الف- میزان خسارات انسانی و مالی ناشی از وقوع زلزله در مقابل جمعیت متأثر از آن.

ب- میزان خسارت انسانی و مالی ناشی از وقوع سیل و یا حوادث طبیعی دیگر در مقابل جمعیت متأثر از آن.

ج- میزان خسارت های ناشی از حوادث حمل و نقل جاده ای ، هوایی و یا دریایی نسبت به جمعیت در یک سال.

د- میزان خسارت های ناشی از حوادث بشری مانند آتش سوزی، غرق و مانند آن نسبت به جمعیت استان.

ه- میزان خسارت های ناشی از تهدیدات اقتصادی نسبت به اقتصاد یا جمعیت کشور.

و- میزان خسارت های ناشی از انواع تهدیدات دیگر طبیعی و زیست محیطی در مقابل جمعیت متأثر از آن.

ز- تعداد موارد مبادلات اقتصادی غیر قانونی نسبت به جمعیت یا حجم فعالیت های اقتصادی در یک سال.

ح- میزان اعتیاد و قاچاق مواد مخدر نسبت به جمعیت کشور یا مناطق در یک سال.

ط- میزان اسلحه غیر مجاز کشف شده در مناطق یا استان ها، نسبت به جمعیت آنها در یک سال.

ی- میزان تردد غیر قانونی در مرز نسبت به جمعیت کشور.

ک- میزان خسارت ناشی از جنگ یا حوادث مربوط به تهدیدات نظامی نسبت به اقتصاد یا جمعیت کشور.

- ل- میزان خسارت ناشی از عملیات تروریستی و نا امنی نسبت به جمعیت کشور.
- م- میزان جرم و جنایت: تعداد موارد جرم و جنایت در یک سال در مقابل جمعیت همان سال.
- ن- میزان اعمال منافی امنیت: تعداد موارد (مانند خرابکاری، بمب گذاری، جاسوسی و.....) نسبت به جمعیت در یک سال.
- س- میزان تشکیل پرونده های دادگستری نسبت به جمعیت کشور یا مناطق در یک سال.
- ع- تعداد زندانیان کشور یا مناطق نسبت به جمعیت کشور یا مناطق در یک سال.
- ف- تعداد زنان سرپرست خانوار نسبت به جمعیت مناطق یا استانها در یک سال. (مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۵)

گفتار دوم: بررسی قابلیت های عمومی در مدیریت محیط امنیتی

حفظ فرایند های اکولوژیک زمانی محقق خواهد شد که از سرزمین به تناسب قابلیت ها و توانمندی های آن استفاده گردد. بر این اساس شناسایی قابلیت ها و توانمندی های سرزمین، پیش از پیاده سازی فعالیت های گوناگون، بسیار حائز اهمیت است. در غیر این صورت استفاده از قابلیت های سرزمین به نوعی صورت خواهد گرفت که محدودیت های طبیعی و اکولوژیکی مانع از استمرار فعالیت ها شده و عملاً بسیاری از سرمایه گذاری های انجام شده به هدر خواهد رفت. بر این اساس باید استفاده هایی از سرزمین صورت بگیرد که ویژگی های اکولوژیکی سرزمین تعیین می نماید و در مرحله بعد این ویژگی ها با نیاز اقتصادی و اجتماعی مطابقت داده شود.

به طور خلاصه فرایند ارزیابی توان اکولوژیک در دو مرحله کلی طبقه بندی می شود. که مراحل و چگونگی آنها به صورت مجزا مورد بررسی قرار می گیرند. **شناسایی منابع اکولوژیک:** به طور کلی، منابع اکولوژیکی به دو دسته منابع پایدار و ناپایدار تقسیم می شوند:

الف) منابع پایدار: منابع پایدار به منابعی اطلاق می شود که در بستر فیزیکی خود ثابت هستند. این منابع شامل سنگ ها، شکل زمین و ژئومورفولوژی، خاک و رستنی هاست.

ب) منابع ناپایدار: منابعی هستند که در جای خود ثابت نبوده و تغییرات این منابع حتی اگر تحت تاثیر نیرو های طبیعی و انسانی واقع نشوند، در واحد زمان کند خواهد بود. به طور خلاصه این منابع شامل اقلیم و آب و هوا، منابع آب و جانوران است.

ت) مدل اکولوژیکی حفاظت محیط زیست: این مدل نیز همانند مدل آبرزی پروری فقط سرزمین های مناسب برای حفاظت را نشان می دهند. سرزمین های مناسب برای حفاظت در حد ناحیه بر حسب درجه آسیب پذیری زیستگاه، تنوع گونه ای، وسعت منطقه حفاظتی، درجه کمیابی گونه ها و درجه طبیعی بودن آثار طبیعی و یا بر حسب ارزش باستانی تاریخی و یا ملی (آثار فرهنگی) مکان های مناسب برای حفاظت به دست می آید.

به طور کلی فلسفه ی حفاظت محیط زیست برای استفاده انسان از محیط زیست به منظور پایداری و نگهداری بالاتر امکان زندگی با کیفیت مناسب به عمل می آید تا ادامه رفاه و آسایش انسان حاضر و نسل های آینده با انجام توسعه پایدار و در خور محیط زیست به همراه محفوظ نگهداشتن تنوع ژنتیکی و اکولوژیکی و با حفظ ارزشهای فرهنگی محیط زیست تامین گردد. [همان: ۹۸]

تحلیل وضعیت فرهنگی (فرهنگ علم و زبان)

توسعه فرهنگی یکی از مهمترین وجوه توسعه پایدار می باشد که علی رغم این که تحت شعاع رکن اجتماعی توسعه پایدار قرار گرفته، نباید از اهمیت بنیادی آن غافل شد. فرهنگ همچون چتری برسر تمامی نهاد های اجتماعی (حکومت، اقتصاد، دین، علم، خانواده و آموزش) در زندگی روزمره اثرات خود را بر جای می گذارد. تحلیل پیشینه فرهنگی شامل عناصری است که در توسعه اثر دارند (فرهنگ کار، فرهنگ یادگیری و نو آوری، میل به پیشرفت، همکاری، تعارضات، اعتماد به نفس، تاثیر پذیری و اثر گذاری و غیره).

تعریف فرهنگ و عناصر آن:

در مورد فرهنگ ، تعاریف متعددی وجود دارد که می توان آنها را طبقه بندی نمود . به طور نمونه تعاریف تاریخی ، رفتاری ، هنجاری ، کارکردی، ساختاری را می توان نام برد. از این میان تایلور فرهنگ را چنین تعریف می کند:

"... کل پیچیده ای است که شامل ادبیات، اعتقادات، هنر، روحیات، قانون، رسوم و هر توانایی و عاداتی می شود که توسط انسان به عنوان عضو جامعه کسب می شود."

چنین تعریفی مشمولیت گسترده ای دارد. در این حالت ، تعریف فرهنگ به عنوان میراث اجتماعی است ، یعنی کل آنچه انسان از نسل پیشین دریافت می کند که تأکیدی است بر این موضوع که فرهنگ یاد گرفتن است.

چرا انسان به فرهنگ احتیاج دارد؟ فرهنگ ابزاری است که انسان توسط آن با محیط (های مختلف) سازگاری و تعدیل می یابد (دو طرفه) و بدین طریق بقا می یابد. ظرفیت انسان در ایجاد دانش و مهارت گواهی بر قابلیت قابل ملاحظه وی در انطباق با محیط های مختلف می باشد.

فرهنگ امری مشترک بین گروهی از انسان ها است و هیچ گاه پدیده فردی نمی باشد. فرهنگ یک کل می باشد که شیوه زندگی را مشخص می نماید . از نظر کلاکهان ، فرهنگ طرحی برای زندگی کردن است. یک فرهنگ سیستم طرح های صریح و غیر صریح زندگی کردن است.

انسان، فرهنگ و زبان

انسان برای بقای نوع خود راهی جز خلق فرهنگ ها و زبان ها نداشته است. تصور این که انسان ها ، بدون زبان می توانسته اند ابعاد مختلف مادی و غیر مادی فرهنگ خود را توسعه دهند، یک تصور باطل است. هر چند وابستگی به یک فرهنگ و زبان خاص محدودیت هایی را برای افراد انسان به وجود آورده است، ولی بدون آن محدودیت ها نیز اصولاً تحول و کمال زندگی انسان به کلی ناممکن است. انسان به هر حال مجبور است ، با تاثیرگذاری از فرهنگ عام و غالب، خود را در روند فکری و عقلی جامعه قرار دهد و از آن تبعیت کند. در این بین تفاهم و ایجاد مراوده کلامی نقش بسیار ارزنده ای ایفا می کنند و این امر تحقق نمی پذیرد مگر این که بین افراد یک جامعه، که مشترکات فرهنگی فراوانی دارند، نوعی درک و تفاهم متقابل به وجود

آید. اینجاست که زبان در خدمت فرد و جامعه قرار می‌گیرد تا این امر مهم و حیاتی - اجتماعی تحقق یابد.

هگل فرهنگ را "فرآیند متفاوت شدن و خارج شدن از خود طبیعی یا بیولوژیکی" می‌داند. به زبان دیگر، از نظر او "فرهنگ یعنی قدرت فراتر رفتن و خارج شدن از راه‌های محدود دیدن اشیاء و دیدگاه دیگری را پذیرفتن." این فرآیند در نهایت امکان کسب دانش و معرفت را نسبت به خود، دیگران، محیط و کل هستی فراهم می‌سازد. زبان تنها بر ابعاد معرفتی و تجربه سلطه ندارد. آگاه‌سازی اجتماعی، اطلاع‌رسانی، استدلال، اندیشه و تفکرات انتزاعی و هنر نیز از دیگر نقش‌های مهم زبان در زندگی اجتماعی انسان هستند. به همین مناسبت است که گفته می‌شود که فلسفه قرن حاضر برای بشر، جهانی جز نشانه‌های زبان قائل نیست. زبان خانه هستی است؛ خانه‌ای که در آن جهان خود را بر انسان پدیدار می‌سازد. آنچه خارج از زبان است، با زبان وجود پیدا می‌کند، پس بهتر است بگوییم انسان در جهان نشانه‌های زبان، زندگی می‌کند و نشانه‌ها جز به نشانه باز نمی‌گردد. این دلالت، تا هر جا که ادامه یابد به هر صورت انسان در هر حال خود را در جهان نشانه‌های زبان می‌یابد.

گودناف فرهنگ را "دانشی می‌داند که باید در اجتماع فراگرفت". او درباره ماهیت این دانش می‌گوید: "منظور از آن، همه دانستنی‌ها است، علمی و نظری" او معتقد است که فرهنگ دانشی است، مبتنی بر شعور همگانی و در عین حال دانش تخصصی دانشمندان نیز بخشی از این دانش است، این همان فرایندی است که یک دانشمند در یک آزمایش علمی از آن بهره می‌جوید. در واقع زبان در یک فرایند پیچیده عالم خارج را طبقه‌بندی می‌کند و پدیده‌ها را به هم ارتباط می‌دهد.

کلمه‌ای که هگل برای فرهنگ به کار برده است مترادف کلمه سازندگی، به معنی شکل دادن است. این کلمه خود بر گرفته از کلمه لاتین (for mutio) یا شکل دادن به ماده و فکر است. به عقیده او زبان‌های طبیعی دنیا به طرق مختلف پدیده‌ها را مقوله‌بندی می‌نمایند زیرا، در واقع، زبان‌ها نظام‌های طبقه‌بندی پدیده‌ها هستند. با این همه سرنوشت زبان نیز خود به نیروی حیاتی، توان، سخت‌کوشی، خلاقیت، ابداع و پیشسازی فکری اهل آن بستگی دارد. هر جامعه و ملتی،

با عمق و توسعه دادن به زندگی مادی و معنوی خود، به همان اندازه، غنا و توانایی زبانش را نیز در بیان مفاهیم مادی و معنوی، افزایش می دهد. توسعه نیافتگی فکری و عملی یک قوم، به عقب ماندگی زبان آن قوم، از قافله جوامع توسعه یافته منجر می شود. زبان با گویش گران خود به اوج عزت و پیشرفت می رسد.

فرهنگ دانشی است که انسان ها در هر جامعه ای آن را شکل می دهند تا بقا و توسعه جامعه را در سایه آن ممکن سازند. انسان ها برای تداوم این روند به زبان نیاز دارند. زبان، علاوه بر بستر سازی برای فرهنگ، زمینه تولید و توسعه فرهنگ را نیز فراهم می آورد.

از مهم ترین فرآورده های فرهنگ، محیط در شکل کلی آن است. محیط زیست ساختاری مشتمل بر ابعاد کالبدی و ذهنی است. فرهنگ در همه ابعاد خود بدون زبان نه قابل تولید و نه قابل انتقال به نسل های بعدی است. با این همه فرهنگ، با اتکا به زبان از محدوده تنگ زمان حاضر فراتر می رود و آینده را شکل می دهد. لذا زبان، در هر جامعه ای، شکل دهنده به افکار و مواد تلقی می شود. همین امر را می توان در باره محیط نیز عنوان نمود؛ زیرا محیط زیست انسان بخشی از فرهنگ او محسوب می شود.

اکنون دانشمندان بر این امر توافق دارند که زبان تنها یک ابزار بر قراری ارتباط بین انسان ها نیست. زبان جهانی منحصر به فرد را برای گویش وران خود می سازد؛ هر چند ممکن است شباهت هایی با جهان های مشابه دیگر داشته باشد. اجزاء و عناصر این جهان، در یک ساختار به هم پیچیده، به یکدیگر مرتبط اند. هر تحولی در بخشی از این ساختار حاصل شود بی شک بخش های دیگر را تحت تاثیر قرار خواهد داد. در این جهان معنایی که ساخته و پرداخته زبان و فرهنگ است، محیط، اعم از طبیعی یا مصنوعی، و اجزاء و عناصر آن است که تعاریف خاصی دارند و همین تعاریف، ادراک ها، و در پی آنها، رفتارهای خاصی را باعث می شوند. از زبان و محتویات لغوی آن هم می توان در شناخت ماهیت و هویت جوامع استفاده کرد و هم می توان نحوه احتمالی ادراک اعضای یک فرهنگ خاص از محیط و فضا را نشان داد. از سوی دیگر زبان می تواند منبع خوبی برای جهت دهی به اقداماتی باشد که ممکن است برای دخالت در محیط و فضای مرتبط با آن زبان خاص ضرورت یابند.

زبان ماهیت ها را در قالب ساختار های معنایی به ما می نمایاند و ما اصولاً برای دخالت در هر پدیده ، و از جمله محیط و فضا نیازمند شناخت آنها هستیم که این بدون وجود زبان و دخالت مستقیم و غیر مستقیم آن ، غیر ممکن خواهد بود. (براتی، ۱۳۸۲: ۶۳-۵۶)

تحلیل سرمایه اجتماعی ، پیوند های ملی ، فرا ملی

تحلیل سرمایه اجتماعی

در فرایند شکل گیری و بسط مفهوم و کاربرد توسعه پایدار، رکن اجتماعی به عنوان یکی از ارکان آن وارد مباحث توسعه شده است. در خلال چهار دهه گذشته ، بعد اجتماعی توسعه پایدار نیز جنبه های بیشتری به خود گرفت و عرصه های مختلف اجتماعی و فرهنگی را شامل شد. یکی از جنبه های مهم در توسعه پایدار اجتماعی استفاده از مفهوم سرمایه در وجه اجتماعی آن است . هر چند واژه سرمایه اساساً در قلمرو اقتصادی به کار گرفته می شود، اما از حدود دو دهه گذشته در قلمرو اجتماعی به طور فزاینده ای مورد پذیرش قرار گرفته است و در حال حاضر به عنوان یکی از موارد مهم در توسعه یافتگی مطرح می باشد.

تعریف سرمایه اجتماعی

شالوده سرمایه اجتماعی را می توان در دو کلمه خلاصه کرد : "موضوع روابط" . مردم از طریق برقراری روابط با یکدیگر و حفظ آن در طول زمان قادر به همکاری با یکدیگر می شوند تا به انجام اموری بپردازند که یا به تنهایی قادر به اجرای آن نیستند یا اجرای آن همراه با دشواری های زیادی باشد. اصطلاح سرمایه اجتماعی نه تنها در حوزه علوم اجتماعی به نحو فزاینده ای جایگاه بالاتری می یابد بلکه در حوزه سیاست گذاری نیز از موقعیت مناسبی برخوردار شده است.

سطوح مختلف سرمایه اجتماعی عبارتند از : اعتماد، مشارکت جامعه، اطلاعات و ارتباطات ، تجانس اجتماعی و مشمولیت تقویت و اقدام سیاسی و فراگیر بودن اجتماعات کوچک که عموماً به عنوان عوامل و متغیرهای اصلی اندازه گیری های سرمایه اجتماعی محسوب می شوند.

قانون: قانون نیز علاوه بر اهمیت سرمایه اجتماعی در عرصه علوم اجتماعی، از منظر سیاست گذاری جایگاه خاصی یافته است و در کشورهای مختلف در زمره سیاست های اصلی قرار داده شده است.

پیوندهای ملی، فرا ملی: ایران زمین محل اسکان اقوام مختلف با فرهنگ های متفاوت است. این اقوام ضمن حفظ اجزای اصلی هویت مستقل خود، هویت ملی یگانه ای را شکل داده اند و پهنه سرزمین را وحدت و یکپارچگی بخشیده اند. همگرایی و سازگاری اقوام ساکن در این سرزمین با هم، مزیت و ویژگی اساسی جامعه ایران در این منطقه تلقی شده است.

تحلیل سیاسی، اداری و سازمانی: برای دستیابی به توسعه، پیش شرط اول این است که نظام سیاسی و حکومتی شکل ویژه داشته باشد و گرنه توسعه اتفاق نمی افتد. معمولاً در کشورهایی که حکومت های متمرکز پادشاهی و امپراتوری در آنها رایج بوده، ساختارهای غیر متمرکز مدنی ضعیف است و هر آنچه که بر این پایه سازمان یافته، به دستگاه حکومت متصل است و به بهانه وحدت ملی، دشمن، تسریع توسعه اقتصادی و ... منابع قدرت اجباراً گسترش یافته و یا به صورتی انحصاری در دست نظام سیاسی متمرکز گردیده است.

در این گونه نظام ها، مدل توزیع قدرت بی واسطه و فاصله مردم با هرم قدرت بسیار کوتاه است. در واقع هیچ عامل ضربه گیری حد واسطه فرمانده و فرمانبر، وجود ندارد و حکومت و مردم مستقیم و رودروی یکدیگرند. از تعدد، تنوع و تشکل احزاب، رسانه ها و ... کمتر اثری هست. کنترل حکومت بر منابع مالی، وسایل ارتباطات جمعی دستگاه های آموزشی و مقوله هایی از این دست، بر میزان تمرکز قدرت اضافه نموده و در مقابل رقابت و مشارکت را در اکثر زمینه ها از جامعه سلب کرده است و داستان توسعه نیافتگی همچنان ادامه دارد.

ساختار متمرکز این نظام ها از نهادهای اجتماعی قدرتمند و قانونمند دارای ظرفیت های اجرایی برای برنامه های توسعه بی بهره است و دولت به تنهایی همه مسئولیت ها و کارکردها را به خود اختصاص داده است. بر عکس در جوامعی که دارای حکومت های غیر متمرکز بوده اند، معمولاً نهادهای قوی محلی که مستقیماً تصمیم می گیرند وجود دارند و وظیفه هماهنگی نیروهای اجتماعی و سطوح مختلف

تصمیم‌گیری را حکومت مرکزی به عهده دارد. حکومت در واقع شاهین و نقطه‌ی تعادل همه این نیروهاست.

در این گونه نظام‌ها نهادهای مدنی، سندیکاها، احزاب، تشکل‌های غیر دولتی در هرم قدرت بین حکومت و مردم قرار دارند و به مثابه ضربه‌گیر قدرت به سمت پائین و جامعه عمل می‌کنند. رفتارهای سیاسی این جوامع، قانونمند و در قالب مبارزات منطقی، آرام و عاری از خشونت در بستر خود جریان دارد.

به طور خلاصه، ساختار سیاسی توسعه یافته، به عنوان یکی از بخش‌های اساسی توسعه پایدار، بر پارادایم جغرافیای انسان استوار است و به جامعه انسانی و اصول تکمیل جامعه مدنی، ترقی و پیشرفت جوامع توجه دارد و در تصویرها دارای ویژگی دموکراسی است. دموکراسی نظامی است که حکومت آن از دو مشروعیت سرچشمه می‌گیرد:

۱. مشروعیت علم

۲. مشروعیت آرای عمومی (البته هر دو مبتنی بر موازین شرعی هستند)

و بر این اساس نهادهای ذیل متولد می‌شوند:

- نهادهای حکومتی متکی بر دموکراسی (محدودیت دخالت دولت و مشروعیت آرای عمومی)

- نهاد قضائی، پاسدار حریم آزادی مردم (مستقل از دولت)

- رسانه‌های جمعی (مستقل از دولت)

- مجامع صنفی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری (مستقل از دولت)

- ساختار بودجه دولت (متکی بر تولید اقتصادی جامعه، نظام آموزش

عمومی، نظام آموزش حرفه‌ای زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی،

نظام پیوستگی اقتصاد در جامعه و...)

تحلیل اقتصادی: ماهیت بخشی و برنامه‌های توسعه و انزوای تفکر برنامه‌ریزی

منطقه‌ای منجر به عدم تعادل‌های منطقه‌ای، حاشیه‌ای شدن برخی مناطق، از

دست دادن منابع و توان‌های منطقه‌ای و نابرابری‌های سرزمینی شده است. به

همین منظور رویکرد آمایشی در برنامه‌های توسعه ضروری به نظر می‌رسد. به

منظور شناخت امکانات و قابلیت‌های بالقوه و بالفعل، تنگناها، مسائل و محدودیت‌های

رشد سریع کشور و عدم تعادل های موجود در سطح مناطق و تعیین استراتژی های مناسب برای رفع تنگناها و بهره برداری مطلوب از امکانات و سرانجام تدوین برنامه های هماهنگ و بلند مدت در زمینه های اساسی توسعه ، تحلیل ویژگی های اقتصادی ضروری می باشد . البته هدف این نیست که به تصویری خیلی دقیق و کامل از آینده برسیم، بلکه تنها دست یابی به راهبردهایی مورد نظر است که تا حدودی ما را به نوع و نحوه فعالیت هایی هدایت کند که طی دوره مذکور باید انجام شود. (مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۴: ۱۲۶-۹۸)

گفتار سوم : تحلیل محیط امنیتی و ضد آمایش

الف) عوامل تعیین کننده بی ثباتی محیط : عوامل و فرایندهای اصلی

مخرب محیط زیست :

۱-عوامل انسانی : در این بخش فرایندها و فعالیت های مهم مخرب محیط زیست که منشا انسانی دارند، بررسی می شوند: فعالیت های صنعتی، فعالیت های کشاورزی، بهره برداری از جنگل و مراتع، توسعه شهر ها، ساخت زیربناها (سد ، جاده ، بندر ، فرودگاه و...)، فعالیت های دامداری، حمل و نقل، مصرف انرژی و انتشار آلاینده ها و سایر موارد مهم در استان .

۲-عوامل طبیعی : در این قسمت مهمترین عوامل مخرب طبیعی محیط زیست مورد بررسی قرار خواهند گرفت . عواملی مانند موارد زیر : خشکسالی و اثرات آن بر محیط زیست، بیابان زایی و گسترش کویر ها، سیل و زلزله، وجود نهشته های نمکی که باعث شوری رود خانه ها می گردند و سایر موارد مهم در استان ها.

آبهای جاری و نحوه ی جریان آنها : بین سایر عوامل ، آبهای جاری ، نقش خاص خود را ایفا می کنند . این عامل در بعضی موارد ، در ایجاد ناپایداری از برتری خاصی برخوردار است . اما نمی توان علل بی ثباتی را صرفا در نوع عمل آن جستجو کرد . تنها از نظر دیویس ، تقریبا تمام تغییرات ناهمواری ها و ناپایداری زمین های یک منطقه ازاعمال آبهای جاری و اثرحفروبریده بریده ساختن آنها ناشی می شود .

کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی های عمران شهری:

شهرها، زمین های وسیع و گسترده ای را به خود اختصاص می دهند. این زمین ها از ترکیب واحدهای مختلف توپوگرافی و ژئومورفولوژی تشکیل می یابند. هر اندازه که شهرها توسعه یابند و گسترش پیدا کنند، برخورد آنها با واحدهای گوناگون توپوگرافی و ژئومورفولوژی و موضوعات مربوط به آنها زیادتر می شود. واحدهای ژئومورفولوژی همیشه، با پویایی و دینامسیم محیط طبیعی در ارتباط هستند، هر گونه اقدام در راستای توسعه و عمران شهرها، به نحوی با پویایی و دینامسیم مذکور، و در نتیجه با پدیده های ژئومورفولوژی، تلاقی می کند. در این برخورد اگر برخی از اصول و نکات ضروری که بعداً به آن خواهیم پرداخت. رعایت نشود، تعادل مورفودینامیک محیط، به هم می خورد و خطرات بزرگی، غالب تجهیزات و امکانات شهری را مورد تهدید قرار می دهد. (رجایی، ۱۳۸۲: ۲۰۷)

نقش ژئومورفولوژی زمین لرزه ها در ایجاد خسارات در مراکز مسکونی

صنعتی: مسائل مربوط به زلزله عمدتاً موضوعات مورد مطالعه ی زمین شناسی و ژئوفیزیک را تشکیل می دهد. در ژئومورفولوژی نیز، از دیدگاه خاصی بدان توجه می شود. زلزله ارتعاشاتی است که در پوسته ی زمین به وقوع می پیوندد. این ارتعاشات به صورت امواج نوسانی در قسمتی از لایه های پوسته زمین منتشر می شود. تکانهای اعماق زمین به وجود آورنده ی ارتعاشاتی است که در پوسته ی زمین انتشار می یابد. منشا این تکانها، که باعث پیدایش امواج می شوند، بسیار متنوع است. برخی از زمین لرزه ها با فوران آتش فشان توأم هستند که خود فصلی از مطالعات زمین شناسی ژئوفیزیک و ژئومورفولوژی را تشکیل می دهد. محل تولد زمین لرزه ها در اعماق زمین به کانونهای زلزله معروف است.

نقش مطالعات ژئومورفولوژی در احداث و نگهداری راههای ارتباطی: یکی

از مهمترین تظاهرات تمدن گسترش شبکه ارتباطات در کشورهای جهان است. هر چه تمدن بشری پیشرفت می کند و تکنیک به خدمت انسان ها در می آید. به همان نسبت، ارتباط تجمعات انسانی اهمیت می یابد. برای تامین این ارتباط، ایجاد شبکه راه های گسترده (راه آهن یا شوسه) نگهداری جاده های فعال، موجود، تعریض و اصلاح برخی راه های پرتردد از ضروریات اساسی به شمار می رود.

عوامل مورفوزنیک تهدید کننده شبکه ارتباطی

بهمین و خطرات آن در جاده ها: جاده هایی که از مناطق کوهستانی می گذرند، الزاماً در روی دامنه های شیب داری احداث می شوند که با افق زاویه ی قابل ملاحظه ای دارند. می دانیم که این بخش ها به دلیل ارتباطی بسیار نزدیکی که با پروسه های هوازدگی ، ثقل و جاذبه ی زمین دارند، جزو محل های بحرانی هستند و برای فعالیت عوامل مورفوزنیک مکان های بسیار مناسبی به شمار می آیند. از این رو جاده های احداث شده در روی این گونه دامنه ها ، به وسیله عوامل مورفوزنیک گوناگون تهدید می شوند. بهمین یکی از خطرات جدی محسوب می شود.

راه های مقابله با بی ثباتی و خطرات

روش های مقابله با اعمال تخریبی برخی از پدیده های مورفوزنیک به منظور حراست از نواحی شهری: برای مقابله با اعمال تخریبی پدیده های گوناگون و کاهش دادن اثرات زیان بار آنها، مانند طغیان رودخانه ها ، حرکت توده ای زمین ، به راه افتادن جریانات گلی ، زلزله ، طوفان های سنگین، اقداماتی نظیر ارزیابی میزان خسارات احتمالی ، یا ساختن سدهای مختلف برای محدود کردن عواقب وخیمی که وقوع پدیده های ویرانگر را به دنبال دارد، به عمل می آید. اما اکثر روشها و کارهایی که بدین منظور اعمال می شود و ذیلاً مورد مطالعه قرار می گیرد، بسیار پرهزینه اند و غالباً تاثیر کمتری دارند.

روش های مقابله با طغیان رودخانه ها : برای کاهش اثرات زیان بار طغیان رودخانه هایی که از وسط شهرهای بزرگ می گذرند، در مسیر رودخانه ها و پل های ساخته شده اقداماتی انجام می یابد که در هر حال به هزینه های سنگینی نیازمند است.

اکنون برای مقابله با این مشکلات ، بستن سد در قسمت های بالا دست رودخانه، راه حل مناسب به نظر می رسد . در صورتی که بر مبنای پیش بینی های متخصصان ژئومورفولوژی ، اگر این روش برای مدت کوتاهی ، نتایج مثبتی داشته باشد ، بعد از مدتی نسبتاً زیاد ، جز به هدر رفتن هزینه های هنگفت و اتلاف وقت چیز دیگری عاید نخواهد شد. یکی دیگر از راه های مقابله با خطرات طغیان و لبریز شدن

رودخانه ها ، نگهداری و محافظت بستر رودخانه ها ، در محدوده شهری و یا در خارج از آن است. (همان: ۲۶۴-۲۲۴)

نقشه های ژئوتکنیک: این نقشه ها به وسیله زمین شناسان تهیه می شود، هدف از تهیه این نقشه ها ، تعیین ویژگی های زمین برای فونداسیون های ساختمان ها است. نقش شرایط ژئومورفولوژی چنان اهمیت دارد که حتی توصیه می شود در تهیه طرح های توسعه ، متخصصان ژئومورفولوژی در کنار مهندسان مسئول امور شهری و اجرای پروژه ها کار کنند تا در صورت بروز اشکال، با مطالعه مدیریت های خاصی را ، در جهت جلوگیری از پدیده های خطرناک ، اعمال کنند.

نحوه مقابله با مورفوزنر فعال و برقراری تعادل مورفودینامیک در حریم

شبکه ارتباطی: برای مقابله با فعالیت پدیده های مورفولوژیک که در اثر بی احتیاطی هنگام ساختن جاده ها ، در بعضی از محیط های طبیعی از سر گرفته شده و یا شدت می یابند و برقراری مجدد تعادل مورفودینامیک ، باید در مرحله اول ، منطقه را در شعاع نسبتاً وسیعی مورد مطالعه قرار داد. برای جلوگیری از لغزش زمین نیز، زهکشی در قسمت های فوقانی ، ایجاد دیوارهای حفاظی مناسب در بخش پایین دامنه ها توصیه می شود. برای مقابله با خطرات خزش مواد، که در دامنه های شن و ماسه ای، در اثر عبور جاده ها به حرکت در می آیند، غالباً از تورهای فلزی مناسب استفاده می کنند. این نقشه ها بر اساس اهداف گوناگون به شرح زیر، که مورد نظر اکثر مهندسان است، تهیه می شود:

۱. شناسایی ویژگی های عمومی منطقه به منظور انتخاب مسیرهای مناسب؛
۲. توصیف و تشخیص موقعیت مسیر عبور جاده ها و راه های آهن و پل های عظیم سر راهی؛
۳. تعیین نوع پدیده های مورفونیک که موجب بروز خطرات ویژه در طول مسیر می شوند مانند زمین لرزه ، سیلاب، ریزش و...؛
۴. تشخیص ویژگی های شبکه هیدروگرافی منطقه ، که با شبکه ارتباطی تلاقی خواهند داشت؛

۵. طبقه بندی دامنه ها، از نظر شیب، منشأ بروز حوادث گوناگون، پایداری؛
۶. آگاهی از نوع و شدت هوازگی و ماهیت سازندهای حاصل از آن؛
۷. تعیین موقعیت های نقاطی که می توانند مواد مورد نیاز جاده سازی را تأمین نمایند؛
۸. بالاخره تفکیک واحدهای ژئومورفولوژیک، که بر اساس آنها می توان نمونه برداری های لازم را انجام داد و نتایج حاصل از مطالعه آنان را به سایر نواحی تعمیم داد. (همان: ۳۳۷ - ۳۳۶)

گفتار چهارم: راهکارهای برنامه ریزی راهبردی آمایش و آینده نگری محیطی

بررسی دیدگاه ها و ترسیم چشم انداز تحولات آینده و موضوعات مختلف و روندهای اصلی تاثیرگذار بر حوزه مباحث آینده نگری از مهمترین مقولاتی است که می بایستی مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی در قرن بیست و یکم شاهد پیدایش موج گسترده ای از بحث های آینده شناسی هستیم که شخصاً می کوشند ویژگی های کلی جهان فردا را درک کنند و هدفشان نیز تنها، مطالعه منظم آینده است. طرح چشم اندازهایی از آینده از آنجا که سرانجام به پیش بینی روندهای عمده امکان پذیر آینده می انجامد، می تواند به اتخاذ موضع و شیوه ی مقابله با پیشامدهای اتفاقی کمک کند و بدین جهت به استفاده بهینه از منابع و فرصت ها منجر شود. کمترین فایده این گونه مطالعات آن است که ابزاری برای تنظیم امور و ترتیب اولویت مسائل پیش رو، در دستور کارهای آینده، به دست می دهند.

در کشور ما به رغم وجود بیش از نیم قرن سابقه برنامه ریزی توسعه، همچنان بحث آینده شناسی مورد توجه قرار نگرفته است. مروری بر ادبیات برنامه ریزی در بسیاری از کشورها گویای آن است که هر برنامه ریزی نیازمند شناخت آینده می باشد و در این میان به نظر می رسد که آینده بشریت - حداقل در میان کشورهای توسعه یافته - دیگر به دلیل کمبود منابع با بحران مواجه نخواهد شد، بلکه فرض بر این است که آن آینده اکنون - توسط تصمیمات اجتماعی - در حال تعریف و تعیین شدن است و این تصمیمات نه تنها توسط معدودی از رهبران جوامع، بلکه توسط میلیون ها شهروند گرفته می شود. با توجه به این وضعیت، چارچوب کاری

بلندمدتی که این تصمیمات را در بر می گیرد توسط انتظارات اشخاص در مورد این که آینده باید چه چیزهایی را برای آنها به ارمغان آورد، مشخص می شود. در رویارویی با شتاب فزاینده دگرگونی، ناپیچی های آینده و پیچیدگی رو به افزایش پدیده ها و کنش های متقابل، دست روی دست نهادن به هیچ وجه واکنشی مقبول نیست. اتخاذ نگرشی ضد سرنوشت گرا، پیش گیرانه و معتقد به عمل اهمیت اساسی دارد. به عنوان مثال شناخت و تعریف ها از آینده نگری، عبارت است از شناخت آینده های ممکن و انتخاب آنها برای جهت دهی به اقدامات کنونی، آینده نگری، علمی و شیوه ای از تفکر است که از یک سو با گسترش آگاهی و شناخت نسبت به موقعیت های در حال ظهور جهت گیری های کنونی را روشنی می بخشد و از سوی دیگر با نگاهی سازمان یافته و منظم به آنچه در زمان حال اتفاق افتاده، با دخالتی آگاهانه به تعیین آینده می پردازد. از این منظر آینده حال را شکل می بخشد. در واقع در آینده نگری حرکت از شناخت آینده برای شکل دهی به حال است. فرض بر این است که آینده ها متعدد هستند و انسان ها در انتخاب میان آنها کم و بیش آزادند، هر چند که تمام آینده های ممکن از شانس مساوی برای رخ دادن برخوردار نیستند و احتمال وقوع آنها نسبت به یکدیگر متفاوت است. اما تنها یک آینده از پیش تعیین شده وجود ندارد. (عصاریان نژاد-۱۳۸۵)

آینده نگری صرفاً در خدمت حس کنجکاوی نیست و یا از خواسته های ساده سر گرم کننده و شگفت آور در نمی آید، بلکه جزء لازم الاجرای کار و دولت است. آینده نگران دقیق می توانند امکان بهتری از یک اقتصاد دولتی کار آمد و سودمند را بیازمایند.

نگاهی به برنامه ریزی استراتژیک

بسیاری معتقدند که در برنامه ریزی استراتژیک فرایند بر نامه ریزی مهمتر از محصول آن یعنی استراتژی است. به عبارتی دیگر برنامه ریزی استراتژی، فرایندی است پویا که اندیشه و تفکر انعطاف پذیر می سازد و باعث می شود که سندی غیر قابل انعطاف ارائه نشود که به سرعت کهنه شده و یا بعد از مدتی راكد باقی بماند. به طور کلی در برنامه ریزی استراتژیک به چهار پرسش اساسی زیر پاسخ داده می شود:

۱. در حال حاضر کجا هستیم؟

۲. دوست داریم کجا باشیم؟

۳. چگونه می توانیم به آنجا برسیم؟

۴. چگونه می توانیم مراحل پیشرفت را اندازه گیری کنیم؟

به صورت عام برای دنبال کردن دو رویکرد استراتژیک لازم است چشم انداز آتی و یا مفهوم مشخصی از آینده ارائه دهیم. برای پاسخگویی به پرسش های فوق باید اهداف و راه دست یابی به آنها روشن باشد. پاسخ به پرسش اول (در حال حاضر کجا هستیم) مستلزم ارزیابی درونی و بیرونی است. بعضی داده های درونی و بیرونی که بر اقدامات ما تاثیر می گذارند. این امر ایجاب می کند که موارد زیر مورد استفاده قرار گیرد:

۱- **تحلیل وضعیت:** ارزیابی وضع موجود، مسائل، توانمندی ها و قابلیت ها،

وضعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک فعال

۲- **بررسی محیطی:** تحلیل نیروهای خارجی تا ثیر گذار بر اقداماتی که می

توانیم انجام دهیم و سرعت واکنش نظامی سیاسی

۳- **آینده نگاری:** تعیین و تحلیل نظام مند روندهای دراز مدت و مباحثی که

به نظر می رسد بر محیطی اثر گذارد که در آینده توسعه ملی در آن تحقق

خواهد یافت و نیاز محیط امنیتی از غیر امنیتی است.

۴- **تحلیل موضوعی:** تعیین موارد مهم برای دولت و مردم، قابلیت های

مشارکت محور، ارزش مدار، تعامل ساز و مشروعیت بخش

این فرایند به چشم اندازی منتهی می شود که تصویری مفهومی و الزام آور از آینده

خواسته شده به شمار می آید. در مورد پرسش دوم (دوست داریم کجا باشیم؟)

برنامه ریزی استراتژیک مستلزم تشخیص موارد زیر است:

- آرمانها: اهداف نهایی مرتبط با فعالیت هایی که به منظور توسعه صورت می

گیرند، ایدئولوژی منسجم (واقع گرا)، اقتدار و عزت و ثبات سیاسی در

سازوکار برگزیده قابل برنامه ریزی.

- اهداف: اهداف ویژه و قابل اندازه گیری برای تحقق برنامه، قدرت و واکنش و عمل فعال در مقابل اختلال و تجاوز برنامه های کنترل و هدایت محیط در راستای استراتژی کلان کشور.

درمورد این که چگونه می توانیم به آنجا برسیم در برنامه ریزی استراتژیک به ارائه موارد زیر نیاز است:

۱- راهبردها: روش های مورد استفاده برای تحقق آرمان ها و اهداف

۲- برنامه عملیاتی: برنامه های عملیاتی تفصیلی که نشان می دهند چگونه راهبردها اجرا خواهند شد. برای پاسخ به سؤال چگونه می توانیم مراحل پیشرفت را اندازه گیری کنیم؟ برنامه ریزی استراتژیک نیاز به حساب پذیری دارد. یعنی در واقع به روش هایی برای اندازه گیری نتایج نیازمند است. مانند نظارت مستمر و گزارش گیری منظم و در نهایت برنامه ریزی استراتژیک، تخصیص منابع مالی، انسانی و سایر منابع لازم را برای اجرای استراتژی ها به سوی اولویت های تعیین شده در زمان تدوین اهداف، هدایت می کند. روش پیش بینی شده برای برنامه ریزی تحلیل SWOT و تحلیل چارچوب منطقی است. نتایج حاصل از تحلیل (SWOT) ورودی تحلیل چارچوب منطقی (LF) را تشکیل می دهد.

ترکیب این دو روش در برنامه ریزی مشارکتی این امکان را فراهم می آورد که: اهداف و استراتژی ها به تدریج اصلاح شوند.

- اقدامات و فعالیت های دارای اولویت بالا به تدریج انتخاب شوند.

- برنامه توسعه آمایش در چارچوبی پیوسته، هم افزا و دارای مراحل منطقی و رتبه بندی شده ارائه شود.

در جریان فرایند برنامه ریزی، اهداف و استراتژی های توسعه به تدریج اصلاح می شوند.

SWOT ابزار برنامه ریزی تحلیلی و استراتژیکی است که اغلب در رویکرد برنامه ریزی مشارکتی مورد استفاده قرار می گیرد. برای موفقیت در انجام تحلیل با استفاده از متدولوژی SWOT، لازم است که شناخت خوبی در مورد وضعیت موجود و روندهای حاکم وجود داشته باشد.

تحلیل SWOT دارای دو مولفه اصلی به شرح زیر است:

۱- شاخص های شرایط درونی که توسط نقاط قوت و ضعف در وضعیت موجود توصیف می شوند:

الف- نقاط قوت : نظام سیاسی و مشارکت گرا، ایدئولوژی، دانش، تکنولوژی، انگیزه و روحیه

ب- نوآوری، دارایی های مالی، ارتباط های تجاری و مانند آن است که به استفاده از فرصت ها و مبارزه با تهدیدها کمک می کنند.

پ- نقاط ضعف: شرایط درونی یا هر گونه نقص داخلی که موقعیت رقابتی یک منطقه را به خطر می اندازد و یا امکان استفاده از فرصت ها را کاهش می دهد .

۲- شاخص های بیرونی که از طریق تهدیدهای موجود و فرصت های ناشناخته توصیف می شوند:

- فرصت هر موقعیت یا ویژگی خارجی که در جهت تقاضای منطقه باشد و یا شرایط برخورداری منطقه از مزیت رقابتی است .

- تهدیدچالشی خاص از روند نامطلوب یا هر شرایط خارجی است که به صورتی نامساعد بر موقعیت منطقه تاثیر می گذارد.

- در محیط امنیتی، مفهوم تهدید تابع درک از توانمندی، قدرت حریف و میزان ضعف و آسیب پذیری، شکل می گیرد و به شدت تابع نظریه امنیتی و ماهیت اهداف مرجع شکل می گیرد و موضوع و حوزه عمل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و غیره خواهد بود.

تحلیل نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدید ها به تدوین اهداف، استراتژی های موقت توسعه و رتبه بندی اقدامات اولویت داری منتهی می شود که در کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت برای دست یابی به اهداف توسعه لازم است اتخاذ شوند. (عصاریان نژاد-۱۳۸۵)

در برنامه آمایش کشور با توجه به نگاه استراتژیک بلند مدت به توسعه آمایشی، اهداف و استراتژی هایی در دراز مدت مورد تأکید قرار می گیرد و در پایان به ارائه عناوین برنامه های عملیاتی لازم برای توسعه اکتفا می شود. برنامه عملیاتی دقیق برای پیشبرد اهداف و استراتژی های میان مدت در قالب برنامه های پنج ساله و سه دنبال آن برنامه های سالانه در مرحله نهایی عملیاتی تهیه می شود. البته این رشته

از اقدامات نیز به صورت مرحله ای و در صورت تأیید مراحل قبلی از نظر دستیابی به اهداف دنبال می شود و همواره فرصت و ضرورت برای اصلاح محتوایی و مرحله ای برنامه ریزی وجود خواهد داشت.

ج) سناریوسازی در برنامه ریزی استراتژیک

سناریو چیست؟

سناریوها ابزار برنامه ریزی استراتژیک به شمار می آیند. سناریوها آنچه را که برای دست یابی به نتایج دلخواه مورد نیاز است، مشخص می کنند. سناریوسازی دربرگیرنده این مفهوم است که آینده ثابت نیست. بلکه می توان از طریق تصمیمات و اقدامات افراد، سازمان ها و نهادها، به آن شکل داد. در واقع استفاده از سناریو به منظورهای زیر صورت می گیرد:

- جلوگیری از غافلگیر شدن؛
 - به چالش کشیدن اندیشه های سنتی راجع به آینده؛
 - تشخیص نشانه های تغییر؛
 - آزمون استراتژی های پایداری در شرایط متفاوت.
- سناریوسازی فرایند خلاقیتی است که مهارت افراد دست اندر کار را افزایش می دهد. برای موفقیت در سناریوسازی، ضرورت دارد که گروهی ماهر و دارای ویژگی های زیر انتخاب شوند که :
- استنباط درستی از وضع موجود داشته باشند.
 - بتوانند عوامل قابل پیش بینی در آینده را تعیین کنند.
 - بتوانند مسیرهای ممکن و معقول به آینده را مشخص کنند.
 - از دیدگاه های مغایر آگاهی داشته باشند.

چرا در برنامه ریزی استراتژیک از سناریو استفاده می کنیم؟

- تاثیر گذاری بر گرایش های سیاسی
- فکر کردن در قالب سناریو برای کاهش ترس، بی اطمینانی و تردید (FUD)
- دست یافتن به چشم انداز مشترک برای پیشبرد مباحث و ایجاد شعور جنبی.

نتیجه گیری

تغییرات و نوسانات بخشی از ماهیت دنیایی است که ما در آن زندگی می کنیم. تحول و نوآوری، هر روز دنیای جدیدی را در برابر چشمان بشر می گشاید که در این میان چراغ علم تنها قادر است بخشی از محدوده نامتناهی آن را نمایان سازد. در رقابت دنیای آینده، کسانی گوی سبقت را خواهند ربود که آگاهانه تر دل به تغییرات بسپارند و دنیای جدید را جست جو کنند. موفقیت و گسترش منطق ریاضی و دست یابی به امکانات وسیع رایانه ها و ماوراء همه اینها، انقلاب اطلاعاتی، در دو دهه اخیر موجبات گسترش هر چه بیشتر رویکرد آینده نگرانه را فراهم آورده است. شناخت تحولات آینده آنچنان با فعالیت و با کسب و کار عجین شده که شاید به جرأت بتوان گفت که هیچ فعالیتی قرین موفقیت نخواهد بود مگر آنکه با نگرش جامع نگر و آینده نگر توأم باشد. آمایش سرزمین به عنوان فرایند دیدگاه سازی دراز مدت توسعه، به ارزیابی و پردازش بخش های عمده ای از این دیدگاه که قابلیت تجسم عینی دارند می پردازد تا بتواند تصویری از چشم انداز آینده سرزمین تحت تاثیر دیدگاه منتخب ارائه نماید. این تصویر، به منزله مرجعی از اهداف هماهنگ شده، راهنمای تصمیم گیران و برنامه ریزان برای معرفی مجموعه ای از اقدامات، اعم از اصلاحات، تجدید ساختارها و نوآوری ها در عرصه های مختلف خواهد بود که گذار از وضع موجود به وضع مطلوب را ممکن خواهد ساخت. این که این روش ها و بررسی ها تا چه حد قابل اتکاهستند راه امروز نمی توان پاسخ داد و تنها سپری شدن زمان، صحت و سقم آنها را تعیین خواهد کرد. با این وجود تلاش به عمل آمده است تا در این مختصر، آنچه که بیشتر مورد اتفاق نظر است و یا از سوی مؤسسات و تحلیل گران معتبر مطرح شده است ارائه شود.

فرایند منطقی تهیه برنامه های توسعه با شناختی که از مجموع جریان های برنامه ریزی و تصمیم گیری در کشور و همچنین مقررات و قوانین تهیه برنامه ها وجود دارد، شامل مراحل زیر است:

- ۱- تدوین نظریه پایه توسعه ملی؛
- ۲- تنظیم استراتژی جامع توسعه ملی؛
- ۳- تهیه طرح پایه آمایش سرزمین؛

- ۴- تهیه طرح آمایش ملی؛
- ۵- تهیه طرح آمایش استانها؛
- ۶- استنتاج خط مشی های اصلی میان مدت توسعه؛
- ۷- تهیه چارچوب برنامه کلان میان مدت؛
- ۸- تهیه برنامه های اجرایی میان مدت بخش ها؛
- ۹- تهیه برنامه های اجرایی میان مدت استان ها.

برای بررسی چگونگی تأثیر گذاری اقدامات توسعه ای در ایجاد امنیت و دفاع و یا بر عکس آن یعنی تأثیر گذاری اقداماتی در رابطه با ایجاد امنیت و دفاع، برای فراهم ساختن زمینه های لازم جهت تحقق توسعه در جوی امن، لازم است ابتدا، شاخص های توسعه، شاخص های امنیت و شاخص های دفاعی تشکیل و تدوین شوند و همچنین شناسایی برخی تهدیدات هرگونه تیک که در سطح جهانی می توان آن ها را مورد بررسی قرار داد لازم است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ منابع و مأخذ:

۱. عصاریان نژاد، حسین، (۱۳۸۵)، محیط شناسی امنیتی، تقریرات درسی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲. رجائی، عبدالحمید، (۱۳۸۲)، کاربرد ژئومورفولوژی در آمایش سرزمین و مدیریت محیط، تهران: نشر قومس، چاپ دوم.
۳. براتی، ناصر، (۱۳۸۲)، زبان، تفکر و فضا، پیش درآمدی بر نگره های بعد از مدرنیسم به محیط زیست، سازمان شهرداری های کشور.
۴. مرکز ملی آمایش سرزمین کشور، (۱۳۸۵)، سومین نشست توجیهی، آموزش برنامه آمایش استان ها، زاهدان، ۲۲ و ۲۳ شهریور ماه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی